نشریه علمی پژوهش‌نامه اخلاق
سال ۱۲، پاییز ۹۸، شماره ۴۵
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۶۸ ـ ۵۵

Scientific Journal
PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
Vol. 12, Autumn 2019, No. 45
Scientific Research Article

هستی‌شناسی صدق از منظر استاد جوادی آملی

حسین حسن‌زاده*

چکیده

این مقاله سعی دارد به روشی تحلیلی، هستی‌شناسی صدق در منظومه فکری آیت الله جوادی آملی را ترسیم نماید. هستی‌شناسی مورد نظر در این مقاله، هستی‌شناسی به‌معنای خاص آن در حوزهٔ علم کتابداری (دانش‌شناسی) است. به این معنا که مفهوم صدق و مفاهیم مترادف و هم ریشه آن و نیز نوع ارتباطات این مفهوم با سایر مفاهیم، از میان حدود شصت اثر از آثار این عالم وارسته، واکاوی شده و تبیین گردیده است. حاصل آنکه در دیدگاه علامه جوادی آملی مفهوم صدق، علاوه بر کاربرد معنایی خاص (صدق در اخبار) در معنای جامع (انشائیات، وجوب و امتناع تکوینی یعنی بود و نبود حقیقی و بود و نمود) نیز به‌کار رفته است و در هندسه معرفتی وی، مفهوم صدق به‌صورت مجزا از سایرمفاهیم درنظر گرفته نشده و پیوستاری از ارتباط با مفاهیم متعددی نظیر حق، تکوین، ملائکه، روح انسانی، فطرت انسانی، دین حق، آزادی و حریت، عقل و انسان کامل است.

واژگان کلیدی

صدق، کذب، هستی‌شناسی، هستی‌شناسی صدق، صدق دراخبار، صدق در انشائیات.

*. دکترای فلسفه و کلام، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
shaakhali@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۵

مقدمه

برای جلوگیری از انحراف جامعه دینی به رذیله‌های اخلاقی نظیر کذب، به الگوهای معرفتی و اخلاقی نیاز است و بی‌شک عالمان وارسته شیعی در رأس این الگوها هستند. حضرت استاد جوادی آملی«حفظه الله» از عالمان وارسته‌ای است که همواره با تبیین عالمانه دین و رفتار اخلاقی خود، چراغ هدایت جامعه به‌سمت تعالی معنوی بوده و هست. اما شناخت اندیشه‌های ایشان نیازمند تدقیق است. توضیح اینکه اندیشه‌های انسان عمدتاً از طریق انتقال مفاهیم صورت می‌گیرد. این مفاهیم اگرچه در ظرف ذهن و اندیشه است، اما ارتباط یکپارچه‌ای با سایر مفاهیم دارد. زیرا اندیشه انسان، محصول ارتباطات سیستمی و یکپارچه میان مفاهیم در ظرف ذهن است. لیکن به‌دلیل اینکه انتقال مفاهیم در قالب اصطلاحات و کلید واژگان صورت می‌گیرد، کاستی‌هایی در این بخش وجود دارد که مانع فهم نظام‌مند اندیشه می‌گردد که عبارت است از:

یک. احتمال ناتوانی صاحب اندیشه در انتقال مفاهیم؛ زیرا این احتمال وجود دارد که صاحب اندیشه برای انتقال اندیشه خود نتواند واژگان و اصطلاحات را به‌نحو صحیح به استخدام خود درآورد (عدم عصمت در ابلاغ).

دو. ناتوانی مخاطب در فهم مراد صاحب اندیشه که در دو موضع است:

الف) ناتوانی در فهم مفردات؛ (عجز از درک صحیح اصطلاحات و کلید واژگانی که صاحب اندیشه آن را به استخدام خود درآورده است)

ب) ناتوانی در ایجاد ارتباطات صحیح میان خوشه‌های واژگانی.

متفکران و اندیشمندان برای رفع این نقایص کارهای سترگی را در طول تاریخ انجام داده‌اند که تدوین لغت‌نامه‌ها، دایرةالمعارف‌ها، دانش‌نامه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها و... را باید در همین راستا دانست. این شیوه‌ها در عصر حاضر که عصر تکنولوژی و انفجار اطلاعات است اگرچه لازم، ولی کافی نیست؛ به‌همین‌جهت صاحب‌نظران علم دانش‌شناسی برای جبران این کمبود به سراغ شیوه‌هایی مدرن رفته‌اند که سازمان‌دهی اطلاعات بر محور واژگان کنترل‌شده (اصطلاح‌نامه‌ها) و ایجاد آنتولوژی (هستی‌شناسی‌ها) در بستر وب جهانی از نمونه بارز آنهاست.

در این مقاله در حد توان سعی بر این است، هندسه صدق یعنی ارتباطات سیستمی آن با سایر مفاهیم در اندیشه استاد جوادی آملی «حفظه الله» ترسیم و در اختیار صاحب‌نظران قرار گیرد.

«هستی‌شناسی» در علم دانش‌شناسی

مقصود از هستی‌شناسی در این مقاله، معنای معهود آن در فلسفه نیست؛ هرچند بی‌ارتباط با آن هم نمی‌باشد. این معنای خاص از مفهوم هستی‌شناسی از اوایل دهه ۱۹۹۰ از فلسفه وارد هوش مصنوعی گشته و به یکی از مباحث پژوهشی مهم در علوم رایانه تبدیل گردیده است و در حوزه‌های مختلف هوش مصنوعی از قبیل مهندسی دانش، پردازش زبان طبیعی و بازنمون دانش (صفری، ۱۳۸۳: ۴ / ۷۹) مهندسی نرم‌افزار، پایگاه‌های داده و وب‌معنایی مورد مطالعه قرار گرفته است. تعریف‌های متعددی از این مفهوم ارائه شده است؛ مانند:

تعریف «گروبر» که هستی‌شناسی را تشخیص روشن، واضح و ذکر خصوصیات صریح از مفاهیم می‌داند؛ (شیخ شعاعی، ۱۳۸۴: ۶۴ / ۱۸۹؛ صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۶۴ / ۸۴؛ صفری، ۱۳۸۳: ۴ / ۸۰) یا تعریف «سورگل» که هستی‌شناسی‌ها را شکل گسترش یافته رده‌بندی‌ها با هدف کمک به کاربران در بازیابی متون بر روی وب می‌داند (صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۶۴ / ۸۴) یا تعریف «سوآ» است که هستی‌شناسی را ذکر مشخصاتی از انواع مدخل‌هایی می‌داند که بالقوه یا بالفعل در حوزه موضوعی خاص موجودند و انواع روابط خاص که در یک ترتیب جزئی و ساده سازمان یافته‌اند. (همان: ۸۵)

آنچه از مجموع تعاریف پیش‌گفته می‌توان به‌دست آورد این است که هستی‌شناسی در دانش اطلاع‌رسانی عبارت است از «برقراری ارتباطات ناظر به واقع، میان مفاهیم در یک حوزه خاص.» به‌نظر می‌رسد تنها تفاوت اساسی میان اصطلاح‌نامه‌ها و هستی‌شناسی‌ها در همین قید اخیر (گویایی رابطه مفاهیم) باشد. وجود این ارتباطات هستی‌شناسانه (ناظر به واقع) میان مفاهیم در هر حوزه خاص موجب کشف هندسه و ساختار معنایی میان مفاهیم در آن حوزه می‌گردد. هستی‌شناسی به‌همین معنای

خاص، قابلیت پیاده شدن در هر مسئله‌ای ازجمله برای کشف هندسه معرفتی اندیشمندان را دارد.

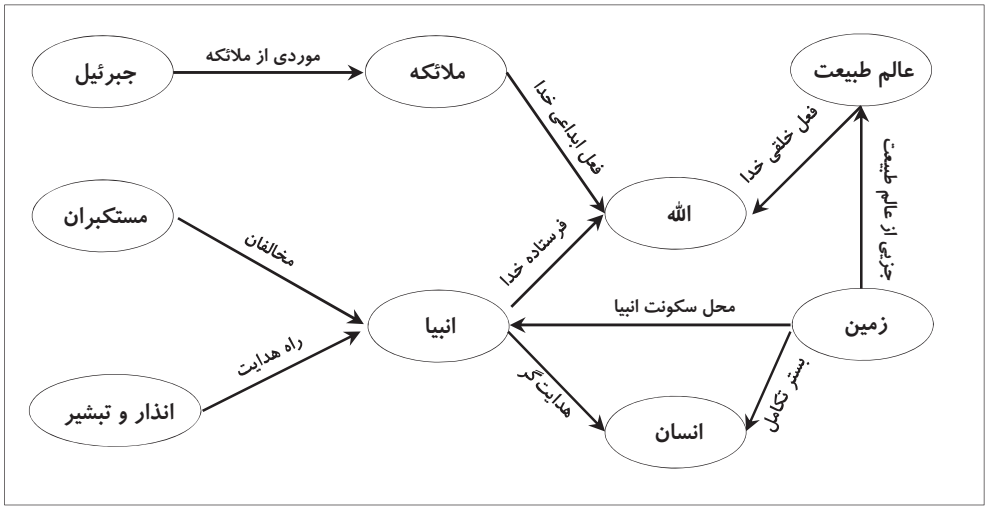

نمونه‌ای از گویایی روابط در هستی‌شناسی ها

الزامات ایجاد هستی‌شناسی صدق از منظر استاد جوادی آملی

۱. مجموعه‌ای از اصطلاحات و واژگان کلیدی در مسئله صدق

برای تحقق این رکن ابتدا باید اصطلاح صدق و راستی و کلیدواژه‌های مرتبط با آن از آثار استاد جوادی آملی گردآوری شده و در یک برنامه نرم‌افزاری که برای همین امر در نظر گرفته می‌شود با ذکر آدرس و منبع ذخیره گردد. بی‌شک کلیدواژگان فراوانی در آثار استاد جوادی آملی هست که ارتباط وجودشناختی با مسئله صدق و راستی دارند. شناسایی این اصطلاحات و واژگان نمایه‌ای و برقراری ارتباط میان آنها با صدق و راستی لازم و ضروری است.

۲. ارتباط وجودشناختی میان شبکه واژگانی

تحقق عینی و اثربخش آنتولوژی صدق از منظر استاد جوادی آملی متوقف بر رعایت دقیق این رکن است و این مهم نیز بدون بهره‌مندی از نگاه فیلسوفانه به حقایق وجودی ممکن نیست. توضیح مطلب این است که اصطلاح یا واژه‌ای را که این حکیم متأله در آثار خود به استخدام گرفته است، به یک لحاظ یا منتزع از فعل یک موجود است مانند: راست گفتن، ادای امانت، تملق و...؛ یا منتزع از صفت یک موجود است مانند: علم، قدرت، محبت و...؛ یا منتزع از ذات یک موجود است، مانند مؤمن، کافر، منافق و... .

به جهت دیگر یا مفاهیم ماهوی‌اند مانند: مفهوم انسان، زمین، آسمان و... یا مفاهیم وجودی‌اند مانند: مفهوم خدا، هستی و... از حیث دیگر یا معقولات اولیه‌اند یعنی مفاهیمی که انسان آن را بدون دخل و تصرف ذهن از خارج می‌گیرد مانند: مفهوم زید، خورشید، ماه و... و یا معقولات ثانویه هستند یعنی مفاهیمی که انعکاس مستقیم حقایق خارجی در ذهن نبوده بلکه ذهن انسان به‌نوعی در آنها دخل و تصرف می‌کند مانند: مفهوم علت و معلول، سببیت و مسببیت و... .

ارائه نظامی جامع، متقن و اثربخش از صدق و راستی در آثار استاد جوادی متوقف بر توجیه عقلانی برای ارتباطات میان شبکه واژگانی صدق و مفاهیم مرتبط با آن در آثار این استاد فرزانه است، در غیراین‌صورت هرچیزی می‌تواند با هرچیزی مرتبط باشد و این قطعاً مناقض با اندیشه استاد است که هویتی نظام‌واره دارد. بنابراین اگر در این شبکه واژگانی میان صدق توبه با سودمندی توبه ارتباط برقرار بشود در صورتی این شبکه واژگانی می‌تواند منتج به کشف نظام صدق در اندیشه استاد بشود که هریک از ارتباطات مذکور، قابل توجیه عقلانی باشد. البته ممکن است روش توجیه هریک از رابطه‌ها با روش توجیه سایر روابط فرق بکند و این تفاوت در روش‌های توجیه، صدمه‌ای به نظام مذکور نخواهد زد؛ مثلاً ممکن است برای توجیه بعضی از روابط بین واژگانی از روش عقلی یا روش شهودی یا روش تجربی و یا روش نقلی اعم از نقلی تعبدی یا غیرتعبدی استفاده بشود؛

برای نمونه در آنتولوژی صدق از منظر استاد، صدق و امانت لازم و ملزوم یکدیگرند و کسی نمی‌تواند براین‌رابطه اشکال بگیرد برای اینکه روش توجیه این رابطه، نقلی تعبدی است که روشی پذیرفته‌شده در آثار استاد است.

۳. نوع ارتباط نیز هویدا گشته باشد

برای تحقق آنتولوژی صدق از منظر استاد جوادی آملی علاوه‌بر شبکه واژگانی و ایجاد ارتباط میان آنها، باید نوع هریک از روابط در سراسر خوشه‌های واژگانی آشکار گردد؛ مثلاً رابطه عقل و فطرت با کذب، رابطه ضدیت است که باید این رابطه در شبکه واژگانی به شکل زیر آشکار شود.

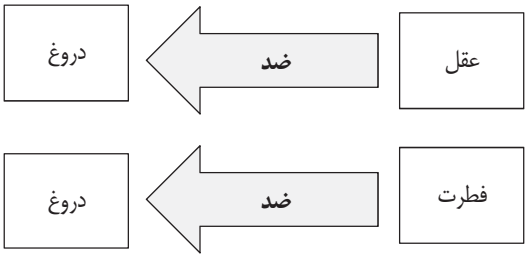

هستی‌شناسی صدق از منظر استاد جوادی آملی

شناخت هندسه معرفتی استاد جوادی درباره حقیقت صدق، منوط به شناخت گستره معنایی این مفهوم و ارتباطات وجودشناختی آن با مفاهیم دیگر است. بهترین شیوه برای دستیابی به این حقیقت، بررسی این مفهوم به‌صورت سلسله مراتبی است یعنی ابتدائاً خود مفهوم صدق و ارتباطات آن با مفاهیم دیگر کشف شود و سپس مصادیق صدق و ارتباطات این مصادیق با مفاهیم دیگر استخراج گردد.

سعه معنایی واژه صدق

واژه «صدق» که در مقابل «کذب» است، به‌معنای صلابت و قوت در چیزی می‌آید. سخن راست، دارای صلابت و قوت است، درحالی‌که دروغ، هیچ صلابت و قوتی ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۹۳) کاربرد اصطلاحی صدق از منظر استاد در برابر کذب است. صدق، وصف سخن و خبر و شرط محدِّث قرار می‌گیرد و درخصوص گزارش‌هاست، زیرا تنها اِخبار و گزارش، قابل صدق یا کذب است؛ صادق، وصف مخبر است. صدق براساس این کاربرد شامل عقاید و اخلاق و گفتارهای انشایی، مانند وعد و عهد نمی‌شود، زیرا انشائیات نه صادق است و نه کاذب. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۷) اما این واژه کاربرد عام هم دارد، نظیر اطلاق واژه صدق در همه شئون بشری یعنی اعتقادات، اخلاق، عمل صالح. (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۳۵۳) صدق در احساس و... . (همو، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۹۳) اطلاق صدق بر انشائیات نظیر عهد (همو، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۴) اطلاق صدق بر «قدم صدق»، «جایگاه صدق»، «مسکن صدق» «معبد صدق»، «مشهد صدق» و «مزار صدق» و نظیر آن. (همو، ۱۳۸۳: ۴ / ۵۷۸)

در بعضی از آیات قرآن[۱] قرائنی وجود دارد که صدق در معنای جامع، نه فقط صدق در گفتار، به‌کار رفته است؛ قرینه نخست بر این عموم و شمول آن است که ذکری از خصوص حدیث و گفتار در آن آیات به‌میان نیامده است. دوم آنکه بعد از بیان مطالب اعتقادی و مسائل اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی و عملی، موصوفان به آنها را به وصف ابرار ستود. بنابراین ایمان، اخلاق و عمل همه باید صادق باشد؛ «صدق عهد و وعد» که در این آیه به شهیدان و رزمندگان در جبهه اسناد داده شده، ربطی به صدق حدیث ندارد، بلکه مصداقی از صدق در عمل و به‌معنای وفا کردن به عهد و وعد است. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۸)

---

۱. نظیر: «واذکُر فِی الکِتبِ اِسمعیلَ اِنَّهُ کانَ صادِقَ الوَعدِ»، «مِنَ المُؤمِنینَ رِجالٌ صَدَقوا ما عهَدُوا اللّهَ عَلَیهِ» و... .

تقسیمات صدق

در آثار حضرت استاد تقسیمات متعددی برای صدق وجود دارد که باید لحاظ‌ها و سلسله مراتب آنها مورد توجه قرار گیرد، در غیراین‌صورت ایجاد آنتولوژی با ناهماهنگی مواجه می‌شود؛ این تقسیمات به شرح ذیل است:

۱. صدق در اخبار و انشائیات

این تقسیم به لحاظ معنای جامع صدق است. از منظر استاد جوادی اگرچه صدق مصطلح وصف سخن و شرط محدّث و درخصوص گزارش‌ها است و اگر کسی چیزی را گزارش ندهد نه صادق است و نه کاذب. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۷) صدق در اخبار تابع ادعا (همو، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۴۷۳) و فرع بر اخبار مخبر (همو، ۱۳۸۲: ۹ / ۱۸۲) است و انشائیات هم نه صادق است و نه کاذب، (همو، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۲۲۳) به‌همین‌جهت وعد و وعید، صدق و کذب بردار نیستند (همو، ۱۳۸۸: ۱۶ / ۷۱۱) به‌دلیل اینکه تقابل صدق و کذب از سنخ عدم و ملکه است نه نقیضین؛ ازاین‌رو ارتفاع هردو ممکن است (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۲۹) لیکن با توجه به‌معنای جامع صدق، این واژه در مورد انشائیات نیز کاربرد دارد و استعمال آن در بعضی از آیات قرآن نیز به‌همین‌جهت است. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۷) مانند اطلاق صدق بر مقصد (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۵۵۸) بر اصل دنیا (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۳۱۲؛ همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۳۷۷) اطلاق صدق بر فطرت انسانی (همو، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۲۱۹) اطلاق صدق بر رؤیا. (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۳۶۶) استاد معتقدند اعتدال مزاج، صادق بودن و سحرگاه یعنی رؤیای انسان معتدلِ راستگو، در سحر به صحت و صدق نزدیک است. (همو، ۱۳۸۶: ۳ / ۲۴۳) اطلاق صدق بر ورود و خروج؛ به باور استاد، ورود و خروج صادقانه در دنیا و برزخ است ولی بهشت فقط ورود صادقانه دارد نه خروج. (همو، ۱۳۸۸: ۱۸ / ۴۶۸)

۲. صدق ممدوح و مذموم

این تقسیم به لحاظ مدح و ذم مورد خبر است و غیبت از مصادیق صدق مذموم است. (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۲۸) مقسم این تقسیم منطقا مطلق صدق نبوده بلکه فقط صدق در اخبار مقابل صدق در انشائیات است.

۳. صدق خبری و مخبری

این تقسیم به لحاظ اتصاف به موصوف است. صدق خبری، ناظر به انطباق محتوای قضیّه با واقع است و صدق مخبری ناظر به علم مخبر به انطباق مضمون قضیّه با واقع است و نفاق در تضاد با صدق مخبری است. (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۵۲۰) این تقسیم که از نظر ساختاری، اخص صدق در اخبار بوده دارای ویژگی‌های ذیل است:

الف) آنچه در نهان‌خانه دل او می‌گذرد، صدق باشد؛ ب) نیز از صادقانه بودن آن آگاه باشد؛ ج) مرگ وی مانند حیات او بر محور صدق باشد. (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۲۲)

جامع صدق خبری و مخبری به باور استاد جوادی عبارتند از: ۱. انسان کامل معصوم؛ (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۲۹) ۲. راسخان در علم؛ به‌دلیل اینکه صدق لسان را از ویژگی‌های آنها دانسته‌اند. (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۲۲۹) ۳. صدیقین که از مصادیق حتمی مخبران صادق هستند و آنها مؤمنانی‌اند که هم صدق خبری و هم صدق مخبری داشته و این صداقت در گوهر ذات او رسوخ کرده و ملکه شده است؛ یعنی کاملان در راستگویی بوده و حق شفاعت دارند. (همو، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۴۳۱؛ همو، ۱۳۸۱: ۵ / ۱۴۰)

۴. صدق در قول و فعل

استاد در یک تقسیم، صدق را به صدق در قول و صدق در فعل تقسیم نموده‌اند. (همو، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۴۴۲) اگر مقصود از صدق در فعل، انطباق فعل با قول و گفتار باشد طبعاً این تقسیم نیز در سلسله مراتب صدق در اخبار قرار می‌گیرد؛ اما اگر مقصود از فعل، انطباق مفهوم عام صدق بر بعضی از افعال نظیر وفای به عهد و امثال آن باشد قاعدتاً تعبیر دیگری از تقسیم صدق به اخبار و انشاء است.

۵. صدق در سخن، اعتقاد، خلق، عمل و احساس

از موارد تقسیم صدق در آثار استاد، تقسیم آن به صدق در سخن، صدق اعتقاد، صدق خلق، صدق عمل و صدق در احساس است. (همو، ۱۳۸۸: ۶ / ۲۲۳) که به‌نظر می‌رسد نوعی تقسیم مصداقی است؛ زیرا انسب این است که صدق در اعتقاد و خُلق و عمل به لحاظ ابعاد وجودی انسان، در یک تقسیم قرار گیرد. از سوی دیگر چون ایشان بر صدق در اندیشه نیز تأکید داشته و منطق را ملاک و میزان صدق اندیشه می‌داند (همو، ۱۳۸۹: ۲۰ / ۴۱۹) و اعتقاد نیز از سنخ اندیشه است طبعا صدق عقیده اخص صدق در اندیشه خواهد بود.

۶. صدق در گفتار، نیت و عمل

استاد در بعضی از آثار خود صدق را به صدق در گفتار، صدق در نیت و صدق در عمل تقسیم کرده و قدم صدق و مقعد صدق را از مصادیق صدق در عمل برشمرده‌اند. (همو، ۱۳۷۹: ۲۴۶) این تقسیم درحقیقت به لحاظ اتصاف گفتار، نیت و عمل به صدق بوده و نوعی تقسیمی مصداقی است و در سلسله مراتب صدق به‌معنای عام قرار می‌گیرد؛ زیرا بعضی از موارد آن مثل صدق در عمل شامل انشائیات هم می‌شود.

۷. صدق در نقل و منقول

این تقسیم به لحاظ اتصاف به نقل و منقول است. خبر قرآن کریم از تثنیه یا تثلیث، از مصادیق صدق در نقل است هرچند منقول کاذب و باطل است (همو، ۱۳۸۵: ۳ / ۵۲۳) طبعاً این تقسیم نیز از موارد صدق در اخبار است.

۸. صدق در بود نبود حقیقی و باید و نباید اعتباری

ازجمله تقسیمات صدق در آثار استاد «حفظه الله» تقسیم آن به صدق در وجوب و امتناع تکوینی (بودونبود حقیقی) و صدق در وجوب و حرمت اعتباری و تشریعی (بایدونباید اعتباری) است. صدق خداوند مربوط به قسم اول است یعنی از سنخ «بودونبودِ حقیقی» است، ولی صدق و کذب مطرح درباره انسان از صنف «بایدونباید اعتباری» است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۳۳۹)

۹. صدق در عقل نظری و عملی

این تقسیم به لحاظ اتصاف به بعد نظری و عملی انسان است. صدق در عقل نظری (تصدیق به‌معنای جزم به ثبوت محمول برای موضوع) عبارت از علمِ نفس به صدق چیزی است و ارتباطی به تصمیم‌گیری و عزم او ندارد. صدق در عقل عملی (تصدیق به‌معنای قبول و ایمان) به‌معنای اراده نفس و عزم راسخ آن بر اقدام چیزی است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۵۱۵)

۱۰. صدق محض و مشوب

این تقسیم به لحاظ جهان است. صدق محض در جهانی است که حق محض بوده و بطلان در آن حوزه اصلاً راه ندارد ازاین‌رو کفر، نفاق، فسق، خُبث و مانند آن، در آنجا مطرح نخواهد شد و جهانِ کنونی روزی را به نام قیامت در پیش دارد که روز حق و صدق محض است. (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۳۳۱) صدق مشوب در جهانی است که حق و باطل و صدق مخلوط به کذب و طیّب ممزوج به خبیث در آن وجود دارد. قسم اول، قلمرو الهیات صرف است که مظاهر اسمای حسنای الهی نیز در آن منطقه حضور دارند و قسم دوم حوزه طبیعت و نشئه دنیاست که منطقه آزمون است؛ اما منطقه‌ای نیست که در آن غیر از بطلان و کذب و خُبث یافت نشود. (همو، ۱۳۸۸: ۱۶ / ۴۳۸)

روابط وجود شناختی صدق

با توجه به مطالب پیش‌گفته ارتباطات وجود شناختی حقیقت صدق در چند محور بررسی می‌شود.

۱. صدق و تکوین

صدق از منظر استاد جوادی اگرچه از امور اعتباری است به این معنا که بیرون از اعتبار، مصداقی عینی ندارد لیکن از امور اعتباری محض نظیر صدر و ذیل مجلس نیست تا به‌دست معتبِر سپرده شود، به‌همین‌جهت ریشه در تکوین ندارند. اعتباریات اخلاقی همچون صدق، نه‌تنها ریشه در تکوین دارند بلکه واقعیت‌ساز نیز هستند (همو، ۱۳۸۷ش: ۲۸) مبنای این نظر استاد همان‌گونه که خود اشاره می‌کند، حکمت متعالیه است. (همو، ۱۳۸۷: ۲۸) به اعتقاد استاد، صدق در قول، یک معنی از معانی حق و از سنخ هستی و کمال هستی است و هرچه در قلمرو وجود و کمال وجود باشد از موجود سرمدی صادر (از نگاه فلسفی) یا ظاهر (از نگاه عرفانی) می‌شود. (همو، ۱۳۸۴: ۷ / ۴۴۸) صدق در باور استاد جوادی، مخلوقی از مخلوقات الهی است؛ زیرا صدق، به لحاظ واقع است و جهان واقع، مخلوق خداست چنان‌که قضایای ضروری نیز مخلوق خداوند است. (همو، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۴۴۲)

۲. مبدأ فاعلی صدق

استاد جوادی آملی در جایی مبدأ صدور صدق در قول را موجود سرمدی یعنی ذات حق تعالی دانسته‌اند. بدین‌دلیل که صدق در قول، یک معنی از معانی حق و از سنخ هستی و کمال هستی است و در نگاه فلسفی هرچه در قلمرو وجود و کمال وجود باشد، از موجود سرمدی صادر و در نگاه عرفانی از موجود سرمدی ظاهر می‌شود. (همو، ۱۳۸۴: ۷ / ۴۴۸) استاد با توجه به همین مبنا، معرفت صائب، صادق، حق و صحیح را با اراده و هدایت الهی و معرفتی دینی می‌دانند که از مصباحِ عقلِ بنده خدا تلألؤ می‌کند، «گرچه از حلقوم عَبدالله بود». (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۹۴) ایشان در جای دیگر ملائکه را به‌عنوان مبدأ فاعلی و مبدأ گزارش‌های صدق، چه در بخش جزم علمی و چه عزم عملی می‌دانند که برکات الهی توسط آن ذوات مقدس در محدوده جان کسی هبوط می‌کند. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۶۷۲) طبعاً این استناد از باب استناد طولی است نه عرضی؛ همچنان که شیطان، عامل نسیان و سبب سهو از حق و ذهول از صدق بوده (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۱۹۴) و مبدأ فاعلی گزارش‌های کذب است و درکات و نقمت‌های خدا توسط شیاطین در قلمرو جان کسی فرود می‌آید. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۶۷۲) البته اگر شیطان عامل فراموشی صدق است یاد خدا نیز سبب رجم شیطان شده و انسان را به موطن صدق بازمی‌گرداند. (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۱۹۴)

۳. صدق و روح انسانی

صدق در اندیشه استاد جوادی جزء مسائل ارزشی و مربوط به روح انسان است که ذکورت و انوثت ندارد. (همو، ۱۳۸۸: ۱۸ / ۵۶۴؛ همو، ۱۳۷۸: ۷۸) به‌همین‌دلیل رعایت آن از اصول کلی و جاوید است و با مسائل علوم تجربی نظیر قوانین طب که مربوط به اقلیم خاص و یا مزاج خاص است متفاوت است. (همو، ۱۳۸۷: ۱۲۴) ارتباط صدق اخلاقی با روح انسانی به این معنا است که صدق، اعم از اینکه آن را جزء فضائل یا فعل ناشی از فضائل بدانیم، شأنی از شئون روح انسانی است. نکته مهم این است که این فضیلت یا فعل ناشی از آن بر روح انسانی تأثیر گذاشته و سبب طهارت نفس می‌گردد. (همو، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۱۷۹)

۴. صدق و فطرت انسانی

استاد معتقدند فطرت انسان، خداشناس و خداجو و خداپرست و حق‌گرا و اهل صدق و انصاف و پرتوی از نفحات رحمانی خدای سبحان است. (همو، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۲۱۹) گرایش قلب انسانی از لحاظ فطرت، راست‌گو و صداقت‌خواه است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۲۵۰) انسان تکویناً راست‌گو و راست‌کردار آفریده شده است؛ چنان‌که کودک همواره راست می‌گوید، مگر آنکه به طنز یا به جِد، دروغ را به او بیاموزند. نسبت علمی انسان به نیک و بد، یکسان است؛ یعنی هم بدی را می‌فهمد، هم خوبی را؛ ولی گرایش او نسبت به زشت و زیبا یکسان نیست. گرایش آدمی فقط به‌سوی نیکی و حق است و فطرتِ سالم و دست‌نخورده انسان هرگز بدخواه نیست و به بدی گرایش ندارد. (همو، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

۵. صدق و دین

هر دین و مذهبی به‌دلیل اینکه حاوی یک سری اخبار و گزارش‌هایی است طبعاً صدق‌وکذب‌بردار است. استاد جوادی معتقدند صدق دین و مکتب از راه تجربه اثبات نمی‌شود و تنها راه اثبات آن عقل برهانی، نقل قطعی و نص است. (همو، ۱۳۸۳: ۱۸۸) قرآن با دو اصلِ کلیت و دوام یعنی همگانی و همیشگی که داشته و دارد، به‌عنوان «میزان عدل» مطرح است؛ یعنی تمام مکاتبِ اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی تا روز قیامت در هر عصر و مصر و نسلی باید بر مطالب آن عرضه شود تا حق و باطل، صدق و کذب، و صواب و خطای آن روشن گردد. (همو، ۱۳۸۶: ۳ / ۹۲) ایشان معتقدند قانون صدق همان دین حق و دین حق فقط اسلام است (همو، ۱۳۸۴: ۷ / ۲۴۰) به‌همین‌علت بین صدق مذهب با کثرت مذاهب فرق فارق است و کثرت مکاتب دینی دلیل حق بودن اندیشه پلورالیستی نیست. (همو، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۱۳) صدق و راستی، لباس دین، ستون ایمان (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۱۴) و ملاک تمایز ایمان راستین از ایمان ادعایی است. (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)

۶. صدق و آزادی و آزادگی

آزادی و حریت از مهم‌ترین ویژگی انسان است؛ استاد جوادی عنوان صدق و کذب را بر این ویژگی مهم اطلاق کرده و معتقدند آزادی و حریت انسانی نیز صدق‌وکذب‌بردار است؛ حریت و آزادگی صادق در تسلیم و اجتناب از گناه است چه این که گناه و فرار از دستورات الهی، آزادی کاذب و بردگی و حقارت صادق است؛ زیرا ممکن نیست که هم آزادی کاذب باشد و هم بردگی، و چون اسارت او راست و قیامت نیز ظرف ظهور حق و صدق است، آزادی کاذب او رخت برمی‌بندد و بردگی صادق او ظهور می‌کند. چنین اسارتی در معاد از هر نحوه بردگی رسمی در دنیا حقارت‌بارتر است؛ چون کسی که رسماً به بردگی در آمده و مالکیتش در اختیار دیگران است، لااقل مالک اراده خویش است و هستی خود را عمداً به آتش نمی‌کشد؛ درحالی‌که انسان شهوت‌زده بی‌آنکه از آزادی خویش طرفی ببندد، خود را در امواج شهوت نابود می‌سازد و با انبوه خطاهای علمی و عملی همه روزنه‌های امید را بر خود می‌بندد. (همو،۱۳۸۴: ۱۶۱) از همین منظر این استاد فرزانه هر نوع تولّی، محبت، تبعیت و ارتباط با غیر خدا را کاذب دانسته و معتقدند محبت‌ها و دوستی‌های دروغین در قیامت به عداوتِ حق و صدق، تبعیت‌های کاذب نیز به تبرّی صادق (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۳۳۳) و ارتباط با ائمه کفر که ارتباطی کاذب است به انقطاع صادق تبدیل می‌شود (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۳۳۷) ایشان صدق را شرط تبعیت از ملت ابراهیمﷺ در صورت آمیخته بودن با سیاست می‌دانند. (همو، ۱۳۸۹: ۴۳۱) این مطلب در باره آزادی قلم و عقیده و بیان نیز مطرح است؛ چنین آزادی‌هایی اگر در جهت سوق دادن انسان به‌سمت کمالات انسانی باشد حق و صدق و اگر نشر آن در مسیر گمراهی برای ایجاد انحراف در نظام اسلامی باشد باطل و کذب است. (همو، ۱۳۸۹: ۴۷۸)

۷. صدق و عقل

عقل یکی دیگر از ویژگی‌های بارز انسان است؛ ارتباط آن با صدق این است که صدق ثمره عقل است و عاقل هرگز دروغ نمی‌گوید. (همو، ۱۳۸۳: ۲ / ۳۵) اما آسیب‌هایی نیز صداقت عقل را که رسول باطنی انسان است تهدید می‌کند و آن زمانی است که عقل گرفتار مغالطه گردد دراین‌حال همانند متنبّی، هیچ سهمی از رسالت الهی ندارد؛ بنابر این صدق عقل که رسول باطنی است مشروط به استفاده از برهان عقلی است وگرنه کاذب خواهد بود. (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۷۰) استاد معتقدند تصدیق و تکذیب باید تحت رهبری و امامت عقل ذاکر باشد. (همو، ۱۳۸۸: ۲۸۰)

۸. صدق و حق

استعمال واژه حق هم در معنی مصدری و هم وصفی است؛ از نظر مصدری به‌معنای ثبوت و ضد باطل و از لحاظ وصفی موجود ثابت، وجود ثابتی که انکار آن روا نباشد، نیز به‌معنای وجود مطلق و غیر مقیدی که به هیچ قیدی تقیید نشده باشد، یعنی ذات اقدس باری‌تعالی آمده است و در اصطلاح عام، حکم مطابق با واقع را گویند که بر اقوال و عقاید و مذاهب و ادیان اطلاق می‌شود. (همو، ۱۳۸۵: ۲۳) این واژه در اصطلاح خاص فلسفه به‌معنای قضیه‌ای است که مطابق با واقع و موافق با نفس‌الامر باشد (همان: ۲۴) و در اصطلاح فقه واصول، برخی آن را به‌معنای مرتبه‌ای ضعیف از ملکیت، و برخی

نوعی از سلطنت دانسته‌اند. (همان: ۲۴) واژه حق در اصطلاح حقوق، عبارت از منفعت آمیخته با قدرت است و در تعریف آن گفته شده: حق قدرتی است متکی به قانون که صاحب آن می‌تواند با کمک گرفتن از قانون، آن را بستاند و یا از گرفتن دیگران مانع گردد. (همان: ۲۵)

ارتباط صدق و حق در آثار استاد جوادی بسیار برجسته است به‌طوری‌که ایشان ترجیع بند «حق و صدق» را در موارد متعدد و در ارتباط با بعضی از مفاهیم به‌کار برده است؛ مانند: «حیات پس از مرگ» (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۲۱۵) «دنیای پسندیده» و «اصل دنیا» (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۳۷۷) «تمثّل و تمثیل» (همو، ۱۳۸۵: ۳ /۲۲۶) «رهنمودهای عقل و وحی» (همان: ۱۳۲) «علم و اعتقاد به چیزی» (همو، ۱۳۸۵: ۳ /۴۸۸) «نقل قرآن» (همان: ۵۲۳) «سخن قرآن» (همان: ۵۲۶) «قبول شفاعت از جانب خدا» (همو، ۱۳۸۳: ۴ /۳۰۶) «خود قرآن» (همو، ۱۳۸۳: ۵ /۴۸۴ و ۴۹۷) «مطابقت واقع با گزارش» (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ /۴۲۳) « تبیین رشد» (همو، ۱۳۸۳: ۵ /۱۳۸) «ظهور در قیامت» (همو، ۱۳۸۵: ۶ /۲۰۳؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۸ /۶۴۲؛ همو، ۱۳۸۴: ۱۶۱) «برهان» (همو، ۱۳۸۵: ۸ /۱۵۳) «روز قیامت» (همان: ۳۳۱) «عداوت در قیامت» (همان: ۳۳۳) «انقطاع و گسستن در قیامت» (همان: ۳۳۷) «تشخیص با عقل و منطق و برهان» (همان: ۵۶۵) «کتاب آسمانی» (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۶۸) «تصرف در قلمرو اسباب حق و ابزار صدق» (همان: ۴۹۷ و ۵۰۵) «میزان بودن دین» (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۴۱۷) «بقاء» (همو،۱۳۸۷: ۱۱ / ۷۳۸) «امر به معروف» (همو، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۲۶۷) « حجت واقعی» (همو، ۱۳۸۳: ۲ / ۱۲۳) «نظام هستی» (همو، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۲۱) «شهود ناشی از تمثلات مَلَکی یا رحمانی» (همو، ۱۳۸۴: ۹۶) «اطلاق نبی بر گیرنده وحی با ویژگی عصمت در حفظ و ابلاغ» (همان: ۲۷۲) «آزادی قلم، بیان و عقیده در جهت سوق دادن انسان به کمالات انسانی» (همو، ۱۳۸۷: ۴۷۸) «درجات شهود عارف» (همو، ۱۳۸۳: ۲۰۶) « هماهنگی مقام ولایی انسان کامل» (همو، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۲۱) «گزارش فطرت» (همو، ۱۳۸۴: ۱۹۰) و... .

دقت در مطالب پیش‌گفته بیانگر ارتباط ناگسستنی حق و صدق در اندیشه این استاد فرزانه اعم از اندیشه‌های اعتقادی، عرفانی، اخلاقی و فقهی ایشان است. علاوه‌براین، ارتباط حق با صدق گفتاری نیز مورد توجه ایشان است مانند اینکه صدق، حق زبان (همو، ۱۳۸۵: ۳۰۳) و سبب شهادت به حق و فتوای به حق است. (همو، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۵۷۳).

۹. صدق و انسان کامل

انسان کامل و معصوم از منظر استاد، مصداق بارز و جامع اجتماع صدق مخبری و خبری است. (همو، ۱۳۷۹: ۲ /۴۲۹؛ همو، ۱۳۸۷: ۴۲۰) اگرچه به دلایل خاصی تنها امام صادق‌ؑ متصف به اسم صادق است، لیکن اسم صادق از أسمای جمال الهی بوده و از لحاظ وصفی همه پیشوایان معصوم‌ؑ موصوف به این اسم هستند؛ سرّ نام‌گذاری انسان کامل معصوم‌ؑ به صادق این است که اسم مبارک صادق از نام‌های جمالی خداست و انسان کامل مظهر أسمای حسنای الهی است. درنتیجه هویت او را صدق و حق تشکیل می‌دهد و وی واجد صدق خبری و مخبری است؛ یعنی عقیده او مطابق با واقع، خُلق وی هم‌آوای حقیقت و قول و فعل او نیز هماهنگ با واقعیت است؛ به‌طوری‌که چیزی در جهان تکوین یافت نمی‌شود که انسان کامل معصوم با وی تعامل صادقانه نداشته باشد. (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۲۲) این استاد فرزانه دو دلیل بر این مطلب اقامه می‌کنند:

الف) گرچه در ظرف گزارش و تعامل انسان با اشیای خارجی، گزینه‌ای جز «صدق» و «کذب» وجود ندارد ـ و احتمال سومی جز این دو منتفی است ـ لیکن بسیاری از انسان‌ها با بسیاری از واقعیّت‌های خارجی بی‌ارتباط هستند. ازاین‌رو ارتباط آنها با این حقایق، نه صادق است و نه کاذب.

ب) انسان کامل معصوم با همه اشیای نظام هستی ارتباط گزارشی دارد و چیزی از دایره این ارتباط خارج نیست. ازاین‌جهت باید ارتباط او با حقایق خارجی به یکی از دو صفت ممدوح صدق یا مذموم کذب متصف باشد ـ و احتمال سوم منتفی است ـ و چون اتصاف انسان کامل به صفت مذموم کذب عقلاً و نقلاً محال است، اتصاف وی به صدق مطلق علمی و عملی، خبری و مخبری ضروری است. بنابراین چیزی در جهان تکوین یافت نمی‌شود که تعامل انسان کامل با وی صادقانه نباشد. (همان: ۳۲۲) بنابراین مقام ولایی انسان کامل هماهنگ با حق و صدق آنهاست (همو، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۲۱) به‌همین‌جهت انسان کامل زمامداران حق و سخنگویان صدق‌اند. (همو، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۳۵) لذا استحاله صدق به کذب فقط در مورد معصوم مستحیل است. (همو، ۱۳۸۱: ۵۴)

۱۰. صدق و نعمت و صراط مستقیم

صدق از منظر استاد از مصادیق نعمت خاص الهی است به‌دلیل اینکه خداوند متعال آن را در ردیف نعمت نبوت، شهادت و صَلاح قرار داده است، با این تفاوت که راه دسترسی به این نعمت برخلاف نعمت نبوت ـ که تا ابد برای سالکان طریقت بسته است ـ برای پویندگان صراط مستقیم گشوده است (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۵۴۱) بنابراین راه آنها از مصادیق عینی صراط مستقیم است (همان: ۵۴۰) این بدان معنا است که خودِ صدق، هم عین راه (همان: ۵۴۱) بوده و با صبغه الهی رنگ‌آمیزی شده (همو، ۱۳۸۴: ۷ /۲۵۴) و هم نوعی مقام است (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۵۴۰) و طبعاً این مقام از مقامات معنوی است؛ به‌همین‌جهت مؤمنان مأمورند از خداوند راه اهل صدق را طلب نمایند؛ علتش این است که اهل صدق، صراط یعنی مسیر تکاملی خود را به‌خوبی می‌شناسند بنابراین رهروی آگاه بوده و رفاقتشان موجب آگاهی‌بخشی است. (همان: ۵۲۰)

۱۱. صدق و سایر مفاهیم ارزشی

صدق در آثار استاد جوادی «حفظه الله» علاوه بر مفاهیم بیان‌شده با مفاهیمی دیگر اعم از ارزشی و ضدارزشی ارتباط وجود شناختی دارد؛ مانند:

ـ ارتباط صدق با معروف ازآن‌جهت که از مصادیق بارز معروف است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۲۶۷)

ـ ارتباط صدق با تمدن و مدنیت ازآن‌جهت که مرز مدنیت جامعه دینی است؛ (همان: ۲۶۷)

ـ رابطه صدق با قرب الهی به لحاظ اینکه صدق موطن قربت و کذب عین غربت است؛ (همو، ۱۳۸۵: ۳ / ۳۸۸)

ـ رابطه صدق با مفهوم رشد به‌خاطر اینکه مصداق عینی رشد است؛ (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۱۳۸)

ـ ارتباط صدق با وفای به عهد و ادای امانت به این دلیل که توأم با وفای به عهد و میثاق بوده (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۲۶۰) و با ادای امانت همبسته است؛ (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)

ـ رابطه صدق با احسان به‌خاطر اینکه از مصادیق احسان نفسی یعنی کار خوب و نیک کردن است، نه احسان نسبی یعنی به دیگران نیکی کردن؛ (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۶۶۷)

ـ رابطه صدق با مفهوم گره‌گشایی؛ به جهت اینکه صدق، میزان و ترازوی حل معضلات (همو، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۰۳) و سبب گشوده شدن در رحمت خداوند به‌وسیله خلفای تام خداوند، بسترساز همنشینی با زمامداران رحمت و در لعنت خداوند و سبب بهره‌مندی از مقام کلیدداری لعنت خدا به‌وسیله جهاد بوده و عذاب و رسوایی را از سوی او بر جبهه کفر و نفاق نازل می‌گرداند و با همین کلید گشاینده، برکت‌ها و رحمت‌های ویژه‌ای را نیز نصیب جبهه اسلام می‌نمایند. (همو، ۱۳۸۴: ۱۸۲)

ـ صدق، میزان بهره‌وری یعنی تأثیرگذاری حقیقی گفتار و نوشتار است؛ (همو، ۱۳۸۸: ۳۸۷)

ـ رابطه صدق با مفهوم بقا، غلبه و پیروزی به این علت که از مصادیق بقا در جنگ میان صدق و کذب بوده (همو، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۷۳۸) و پیروز حتمی در جنگ میان صدق و کذب است به‌دلیل اینکه تنظیم نظام کیهانی براساس علم و ربوبیت الهی بر غلبه حق بر باطل است (همو، ۱۳۷۹: ۶ / ۹۲) به‌همین‌جهت از اسباب پیروزی، غلبه و دولت‌یابی است. (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)

ـ ارتباط صدق با تکلیف الهی ازآن‌جهت که از مصادیق تکلیف الهی است؛ (همو، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۷۳۸)

ـ رابطه صدق با نفس مسوله به این علت که دائماً مورد تهدید نفس مسوله است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۳۱۳)

ـ صدق از میان متقابلان چهارگانه از مصادیق ملکه، در مقابل عدم ملکه است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۴۷۳)

ـ ارتباط صدق با مقصد ملکوتی انسان به‌جهت اینکه از مصادیق مقصد ملکوتی است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۵۹۰)

ـ رابطه صدق با مجرد از این‌جهت که از معانی عقلی و مجرد است؛ (همو، ۱۳۸۸: ۱۷ / ۱۳۹)

ـ ارتباط صدق با مفهوم حُسن به‌دلیل اینکه از مصادیق حُسن اقتضائی است نه ذاتی؛ (همو، ۱۳۸۸: ۱۸ /۸۹؛ همو، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۴۳۱؛ همو، ۱۳۸۸ش،۳: ۳۲۰)

ـ ارتباط صدق با منزلت در نزد خدا به‌جهت اینکه از اسباب منزلت نزد خدا است؛ (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)

ـ رابطه صدق با مفهوم نجات و رستگاری به‌جهت اینکه مایه عزت و نجات انسان است (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۱۴) و با پیشرفت و رستگاری در اسلام پیوندی عمیق دارد (همو، ۱۳۸۷: ۴۰۳) و از اسباب ورود به بهشت است؛ (همو، ۱۳۸۱: ۵ / ۲۵۵)

ـ رابطه صدق با عدل از جهت برتری عدل بر صدق است؛ به اعتقاد استاد جوادی، صدق و راست‌گویی خوب است؛ لیکن نه همچون خوب بودن عدل که هرگز نتوان خوبی را از آن برداشت، زیرا عدل به‌نحو کلیت و دوام خوب است؛ ولی صدق این‌چنین نیست، چون در برخی موارد راست گفتن ضرر و مفسده دارد و در آنجا صدق خوب نیست؛ (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۹۸)

ـ صدق اخلاقی اختصاص به امور اخروی انسان ندارد بلکه با امور دنیوی نیز مرتبط است (همو، ۱۳۸۷: ۱۰۵) عامل ظهور درستی ادعاها بعد از جنگ (همو، ۱۳۸۸: ۲۷۹) و ضد تملق است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۸۸)

۱۲. آثار صدق

برخی از مفاهیم‌اند که درحقیقت از آثار صدق هستند یعنی رابطه آنها با صدق، رابطه اثر و مؤثری است؛ این آثار به‌نحو اجمال عبارت است از عدم شکّ (یقین) در ایمان خود و جهاد با مال و جان در راه خدا؛ و به‌صورت تفصیل عبارتند از:

الف) آثار اعتقادی صدق، مانند: ایمان به خدا، ایمان به روز واپسین، ایمان به فرشتگان، ایمان به کتاب آسمانی، ایمان به پیامبران الهی؛ (همو، ۱۳۸۱: ۵ / ۲۵۵)

ب) آثار رفتاری صدق (عبادت مالی و بدنی) مانند: دادن مال به خویشاوندان، در حال علاقه به آن، دادن مال به یتیمان، دادن مال به بینوایان، دادن مال به در راه ماندگان، دادن مال به گدایان آبرومند، دادن مال برای آزاد کردن بندگان، برپاداری نماز، رساندن زکات به مستحقان؛ (همان: ۲۵۵)

ج) آثار اخلاقی صدق، مانند: وفا به عهد و پیمان، شکیبایی در سختی و در زیانمندی و حین دشواری. (همان: ۲۵۵)

نتیجه

مفهوم صدق علاوه بر کاربرد معنایی خاص (صدق در اخبار) در معنای جامع مانند: انشائیات، وجوب و امتناع تکوینی (بود و نبود حقیقی) و بود و نمود به‌کار رفته است. هرکدام این مصادیق با مفاهیم گوناگونی مرتبط است. با توجه به محدودیت مقاله سعی شده است هستی‌شناسی صدق یعنی نوع ارتباط این مفهوم با سایر مفاهیم در آثار استاد جوادی نمایش داده شود و نتیجه‌گیری شده است که صدق در هندسه معرفتی این استاد فرزانه با مفاهیمی نظیر مفهوم حق، تکوین، ملائکه، روح انسانی، فطرت انسانی، دین حق، آزادی و حریت، عقل، انسان کامل، نعمت الهی، صراط مستقیم، رهروان آگاه، معروف، تمدن و مدنیت، قرب الهی، رشد، وفای به عهد، ادای امانت، احسان، مفهوم گره‌گشایی، رحمت الهی، مفهوم بهره‌وری، مفهوم پیشرفت، مفهوم بقا، غلبه و پیروزی، تکلیف الهی، مفهوم تجرد، منزلت نزد خدا، مفهوم نجات و رستگاری، مفهوم عدالت و... ارتباط ناگسستنی داشته و بیانگر هندسه اندیشه این استاد فرزانه در باره حقیقت صدق است.

منابع و مآخذ

۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تسنیم*، ج ۱، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.

۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *زن در آیینه جلال و جمال*، محقق محمود لطیفی، قم، اسراء.

۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *تسنیم*، ج ۲، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.

٤. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *سیره پیامبران در قرآن*، ج ٦، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.

٥. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *مراحل اخلاق در قرآن*، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.

٦. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *حیات عارفانه امام علی*علیه‌السلام، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.

۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، محقق غلامعلی امین دین، قم، اسراء.

۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *معاد در قرآن*، ج ٥، محقق علی زمانی قمشه ای، قم، اسراء.

۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، *سیره رسول اکرم*صلی‌الله‌علیه‌وآله *در قرآن*، ج ۸، محقق حسین شفیعی، قم، اسراء.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، *سیره رسول اکرم*صلی‌الله‌علیه‌وآله *در قرآن*، ج ۹، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، *ادب فنای مقربان*، ج ۲، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، *تسنیم*، ج ٤ و ٥، محقق احمد مقدسی، قم، اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، *توحید در قرآن*، محقق حید علی ایوبی، قم، اسراء.
١٤. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، *دین‌شناسی*، محقق محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
١٥. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٤، *تسنیم*، ج ٧، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
١٦. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٤، *تفسیر انسان به انسان*، محقق محمد حسین الهی زاده، قم، اسراء.
١٧. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٤، *حکمت علوی*، محقق سعید بند علی، قم، اسراء.
١٨. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٤، *حیات حقیقی انسان در قرآن*، محقق غلامعلی امین دین، قم، اسراء.
١٩. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٤، *سرچشمه اندیشه*، ج ١، محقق عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء.
٢٠. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٤، *فطرت در قرآن*، محقق محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
٢١. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *ادب فنای مقربان*، ج ١، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
٢٢. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *تسنیم*، ج ٣، محقق احمد مقدسی، قم، اسراء.
٢٣. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *تسنیم*، ج ٦، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
٢٤. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *تسنیم*، ج ٨، ٩ و ١٠، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
٢٥. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *حق و تکلیف*، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
٢٦. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *حیات حقیقی انسان در قرآن*، محقق غلامعلی امین دین، قم، اسراء.
٢٧. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *سرچشمه اندیشه*، ج ٢، محقق عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء.
٢٨. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *سروش هدایت*، ج ٢، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
٢٩. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٥، *حق و تکلیف*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
٣٠. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٦، *تسنیم*، ج ١٢، محقق محمد حسین الهی زاده، قم، اسراء.
٣١. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٦، *رحیق مختوم*، محقق حمید پارسانیا، قم، اسراء.
٣٢. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٦، *سرچشمه اندیشه*، ج ٤، محقق عباس رحیمیان، قم، اسراء.
٣٣. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٦، *سروش هدایت*، ج ٣، محقق حسین اشرفی، قم، اسراء.
٣٤. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٦، *شریعت در آیینه معرفت*، محقق حمید پارسانیا، قم، اسراء.
٣٥. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٦، *فلسفه الهی از منظر امام رضا*ﷺ، قم، اسراء.
٣٦. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *ادب فنای مقربان*، ج ٥، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
٣٧. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *انتظار بشر از دین*، محقق محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
٣٨. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *تحریر تمهید القواعد*، محقق حمید پارسانیا، قم، اسراء.
٣٩. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *تسنیم*، ج ١١، ١٣، ١٤ و ١٥، محقق سعید بند علی، قم، اسراء.
٤٠. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)*، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
٤١. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *سروش هدایت*، ج ١، محقق عباس رحیمیان، قم، اسراء.
٤٢. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *سروش هدایت*، ج ٤، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
٤٣. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٧، *مبادی اخلاق در قرآن*، محقق حسین شفیعی، قم، اسراء.
٤٤. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٨، *ادب فنای مقربان*، ج ٣، ٤ و ٦، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
٤٥. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٨، *بنیان مرصوص امام خمینی*، محقق محمد امین شاهجویی، قم، اسراء.
٤٦. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٨، *تسنیم*، ج ١٦، ١٧ و ١٨، محقق عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء.
٤٧. جوادی آملی، عبدالله، ١٣٨٨، *حکمت عبادت*، محقق حسین شفیعی، قم، اسراء.

٤٨. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، ***حماسه و عرفان***، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
٤٩. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، ***شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی***، محقق سعید بند علی، قم، اسراء.
٥٠. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، ***شمیم ولایت***، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
٥١. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، ***نسیم اندیشه***، دفتر اول، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
٥٢. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، ***وحی و نبوت***، محقق مرتضی واعظ جوادی، قم، اسراء.
٥٣. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، ***تسنیم***، ج ۱۹، ۲۰، محقق سعید بند علی و عباس رحیمی، قم، اسراء.
٥٤. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، ***جامعه در قرآن***، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
٥٥. شیخ شعاعی، فاطمه، ۱۳۸٤، «هستی‌شناسی‌ها و وب معنایی»، ***مجله فصلنامه کتاب***.
٥٦. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳٦۸، ***الاسفار الاربعة***، نشر مکتبة المصطفوی.
٥٧. صفری، مهدی، ۱۳۸۳، «مدل‌سازی مفهومی در بازنمون رسمی دانش‌شناختی در هوش مصنوعی و نظام‌های اطلاعاتی»، ***مجله اطلاع شناسی***، ش ٤.
٥٨. صنعت‌جو، اعظم، ۱۳۸٤، «ضرورت بازنگری در ساختار اصطلاح‌نامه‌ها»، ***مجله فصلنامه کتاب***، ش ٦٤.
٥٩. صنعت‌جو، اعظم، ۱۳۹۰، «مقایسه کارآمدی اصطلاح‌نامه و هستی‌شناسی در بازنمون‌دان» مجله ***پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی***، ش ۱.
٦٠. نراقی، مهدی بن ابی‌ذر، بی‌تا، ***جامع السعادات***، بی‌جا، بی‌تا.